

«خلافت راشد» چراغ راه و الهام بخش همیشگی امت اسلامی

ثناء الله شهناز

«خلافت خلفای راشدین اصلیست از اصول دین^(۱) تا وقتی که [مسلمانان] این اصل را محکم نگیرند هیچ مسئله‌ای از مسائل شریعت محکم نشود.» (امام شاه ولی الله محدث دهلوی)

«نبوت، خلافت الهی است و خلافت راشد، خلافت نبوی.»
«دوره کوتاه خلافت راشد برای تمام ادوار و مراحل آینده زندگی اسلامی، سرمشق و الگو است، و برای هر یک از دوره‌ها و اتفاقات ناگزیری که در پیش داریم، در آن راهنمایی وجود دارد.» (علامه سید ابوالحسن ندوی)



درآمد سخن

اصل «خلافت راشد» بر بنیاد قرآن و حدیث استوار است و برای دست یافتن به درک درست و دقیقی از آن، باید در آیات و احادیث ذیل تأمل کرد:

- آیهٔ اِکْمَالِ دین: «الیوم اَکْمَلْتُ لَکُمْ دینَکُمْ و اَتَمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِی و رَضِیْتُ لَکُمُ الْإِسْلَامَ دیناً» [مائده: ۳]؛ امروز دینتان را برای شما کامل کردم و نعمت خویش را بر شما تمام نمودم و اسلام را [به عنوان] دین [برای همیشه] برای شما پسندیدم.

- آیهٔ ختم نبوت: «ما کان مُحَمَّدٌ أباً أَحَدٍ مِنْ رِجَالِکُمْ و لَکِنْ رَسُولَ اللَّهِ و خَاتَمَ النَّبِیِّیْنَ و کانَ اللَّهُ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیماً» [احزاب: ۴۰]؛ محمد - صلی الله علیه و سلم - پدر هیچ کس از مردان شما نیست، بلکه رسول خدا و خاتم پیامبران است و خداوند به همه چیز داناست.

- آیهٔ استخلاف و تمکین دین: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنْکُمْ و عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ کَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ و لَیَمَکِّنَنَّ لَهُمْ دِیْنَهُمُ الَّذِی ارْتَضَى لَهُمْ و لَیَبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا یَعْبُدُونَنِی لَا یَشْرَکُونَ بِی شَیْئًا و مَنْ کَفَرَ بَعْدَ ذَٰلِکَ فَأُولَٰئِکَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» [سوره نورا: ۵۵]؛ وعده خداست با کسانی از شما که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، که بی شک ایشان را در زمین خلیفه سازد، چنان که کسانی را که پیش از آنان بودند خلیفه ساخت. و [آن] دینشان را که برایشان پسندیده است برایشان استوار دارد و برایشان پس از بیمشان ایمنی جایگزین کند. [چرا که] مرا پرستش می کنند و چیزی را با من شریک نمی سازند. و کسانی که پس از این ناسپاسی کنند، اینانند که فاسقند.

- حدیث خلافت نبوت و مدت آن: «خِلاَفَةُ النَّبِیَّةِ ثَلَاثُونَ سَنَةً ثُمَّ یُؤْتِی اللَّهُ الْمَلِکَ - أَوْ الْمَلِکَةَ - مِنْ یَشَاءُ» [سنن ابی داود: ۴۶۴۶]؛ خلافت نبوت سی سال است، پس از آن خداوند پادشاهی را به هر کس بخواهد می دهد. «الخِلاَفَةُ فِی أُمَّتِی ثَلَاثُونَ سَنَةً ثُمَّ مَلِکَ بَعْدَ ذَٰلِکَ» [سنن ترمذی: ۲۲۲۶]؛ خلافت در امت من سی سال است، پس از آن پادشاهی است.

- حدیث حجیت سنت نبوی و سنت خلفای راشدین: «عَلَیْکُمْ بَسْتِنَتِی و سُنَّةُ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِیْنَ الْمُهَدِّیِّیْنَ مِنْ بَعْدِی» [سنن ابی داود: ۷۰۶۴]؛ سنن ترمذی: ۸۷۶۲]؛ به سنت من و سنت خلفای راشدین هدایت یافته بعد من چنگ بزنید.



نعمت خلافت راشد

پس از نعمت عظیم رسالت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وسلم و اِکمال دین و ختم نبوت، بزرگ‌ترین نعمتی که اَمّت اسلامی از وجود آن بهره‌مند شد، نعمت استخلاف و تمکین دین در قالب «خلافت راشد» بود که در یک دوره تاریخی سی‌ساله رخ نمود. این دوره اگرچه به‌ظاهر کوتاه بود، اما از حیث اهمیت و تأثیرگذاری در بقا و جاودانگی دین اسلام و اَمّت اسلامی، و در سرنوشت جهان پس از ختم نبوت و پیامبری، نقشی حیاتی و تاریخ‌ساز داشت. در این دوران پرافتخار با همّت و فراست ایمانی و اقدامات پیامبرگونه و مردافکن نسل اوّل شاگردان مکتب

نیم قرن تلاش و جان‌فشانی پیامبر خاتم و یاران جاننازش، با جان این عالم و با وجدان‌های بیدار و دل‌های جو‌یابی حقیقت آن کرد که خدا داند و در وصف نکتند؛ جامعه بشری به بلوغ فکری رسید و با عالم ملکوت از طریق «تلاوت قرآن» و «اقامه نماز» و «دعا» ارتباطی بی‌واسطه یافت و خدا را از رگ بناگوش به خود نزدیک‌تر دید و با همه راه‌های تقرب به ذات عظیم و پرمهرش آشنا گردید.

نبوت، ارمان‌های رسالت محمدی جهانی شد؛ پایه‌های دین تثبیت گردید؛ قرآن به عنوان منبع نخست و جاویدان دین اسلام از تحریف مصون ماند، در مصحف‌ها ثبت و ضبط گردید و انتشار جهانی یافت؛ سنت و حدیث به عنوان دوّمین و بارزترین گنجینه روایی دینی در کل تاریخ ادیان، رونق محافل علمی و آموزشی جهان اسلام گردید، سینه به سینه منتقل شد و مبنای قانون‌گذاری و فقه و اجتهاد قرار گرفت؛ علم فقه راهش را پیدا کرد، و اصل راه‌گشای «اجماع» بنیان یافت تا در مسائل مجتهدیه و

درهم شکستند و ملت‌های جان‌به‌لب را از ظلم و تحقیر مستبدان مغرور و متکبر و پرستش‌الهی‌های باطل‌رهای بخشیدند، و با پیام زندگی‌ساز دین اسلام و شریعت محمدی آشنا کردند.

نیم قرن تلاش و جان‌فشانی پیامبر خاتم و یاران جاننازش، با جان این عالم و با وجدان‌های بیدار و دل‌های جو‌یابی حقیقت آن کرد که خدا داند و در وصف نکتند؛ جامعه بشری به بلوغ فکری رسید و با عالم ملکوت از طریق «تلاوت قرآن» و «اقامه نماز» و «دعا» ارتباطی بی‌واسطه یافت و خدا را از رگ بناگوش به خود نزدیک‌تر دید و با همه راه‌های تقرب به ذات عظیم و پرمهرش آشنا گردید. بر روی زمین وجود مسعود و جسم اطهر نبی رحمت صلی‌الله‌علیه‌وسلم و سرزمین حرمین شریفین - زاده‌ها الله عزّاً و شرفاً - مهبط و مصدر فیض و رحمت‌های بی‌پایان الهی قرار گرفت و تا قیام قیامت در این عالم جاری و ساری گشت. نعمت ختم نبوت و پس از آن خلافت راشد چنان عظمت، شعاع و جاودانگی یافتند که خورشید عالم تاب و ماه روشنی‌بخش در مقابل آنها فروماندند.

خلافت راشد

یک نظام دینی و سیاسی تمام‌عیار

خلافت راشد یک نظام دینی و سیاسی تمام‌عیار بود که در رأس این نظام، خلفای راشدین به نیابت از پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وسلم مسئولیت نهاد دین و نهاد حکومت را توأمان در اختیار داشتند، و همه شاگردان مکتب نبوت از جمله اهل بیت آن حضرت و تمام صحابه و یاران ایشان از کارگزاران و از اعوان و انصار مخلص این نظام بودند. در رأس خلفای راشدین، خلیفه

اختلافی راه‌برون‌رفتی برای اَمّت اسلامی باشد؛ علم «تزکیه و احسان» (که در قرون بعدی به تصوّف و سلوک نام‌بردار شد)، مراتب علم حکمت، وجوه اخلاق فاضله و اخلاق رذیله، و علم تدبیر منزل و سیاست مُدُن (نحوه اداره جامعه و مسائل مربوط به آن) نیز در این دوره نمودی بایسته و شایسته یافت.

ارمغان‌های نبوی و خلافت راشد

دوران بیست‌وسه ساله رسالت و نبوت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وسلم و سی سال دوران خلافت راشد، به عنوان یک فراز نورانی و پرافتخار در کل تاریخ بشر و خصوصاً تاریخ ادیان، از جایگاهی کاملاً استثنایی، و بدون شک و اغراق، بی‌نظیر برخوردار است. این هنر ملکوتی و اعجاز‌آمیز پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وسلم بود که از همه ظرفیت‌ها، تجربه‌ها و توانمندی‌های جامعه بشری برای رساندن پیام دین اسلام و شریعت محمدی استفاده کرد و همه چیز را به خدمت گرفت تا مسیر تاریخ و سرنوشت انسان را با هنرمندی تمام اصلاح کند و تغییر اساسی دهد، و از لبه پرتگاه سقوط و از خودکشی دست‌جمعی نجات دهد و به شاهراه هدایت و کامیابی و پیشرفت و افتخار رهنمون گردد.

پس از عروج ملکوتی سرور عالمیان و امام انبیا صلی‌الله‌علیه‌وسلم، شاگردانی که ایشان تربیت کرده بود، معادن انسانی‌ای که ایشان کشف و استخراج کرده و در قالب‌های الهی ریخته و اَمّتی تمام‌عیار و الگو و نمونه ساخته بود، با تمام توان و ظرفیت در این شاهراه فراخ و نورانی با سرعتی مطمئن و حساب‌شده پیش رفتند؛ آتش‌های فتنه و ارتداد را فرونشاندند؛ کاخ‌های جور و استبداد فارس و روم را

می‌فرماید: «خلافت راشده نه بر وسعت و پهناوری مملکت اسلامی اطلاق می‌شود و نه بر کثرت فتوحات و پیروزی‌های پی‌درپی در میدان کشورگشایی؛ بلکه خلافت راشده عبارت است از نیابت کامل از طرز تفکر و خطمشی خاتم پیامبران صلی‌الله‌علیه‌وسلم، و بر این اساس خلافت خلفای راشدین نمونه کامل خلافت راشده بود، زیرا نمایندگی کامل طرز تفکر و خطمشی نبوی را برعهده داشت.» [المرتضی: ۳۵۲]

اما وجه ظاهری خلافت راشده که بر مبنای اصولی چون حاکمیت الله، شورا، مشروعیت مردمی و قانون‌گذاری در چارچوب کتاب‌الله و سنت رسول‌الله و

خلافت راشده یک نظام دینی و سیاسی تمام‌عیار بود که در رأس این نظام، خلفای راشدین به نیابت از پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وسلم مسئولیت نهاد دین و نهاد حکومت را توأمان در اختیار داشتند، و همه شاگردان مکتب نبوت از جمله اهل بیت آن حضرت و تمام صحابه و یاران ایشان از کارگزاران و از اعوان و انصار مخلص این نظام بودند.

اجماع استوار بود، تجربه منحصر به فردی در تاریخ سیاسی جهان بوده و از برجسته‌ترین مدل‌های حکومتی و زمامداری در تاریخ بشر است، چنان‌که به تعبیر یکی از صاحب‌نظران معاصر می‌توان از آن به عنوان مدل سیاسی «امت-حکومت» یاد کرد.^(۱) مدینه فاضله و آرمان‌شهری که فیلسوفان و عدالت‌خواهان جهان در حسرت آن بودند، در این دوره صورتی عملی و اجرایی یافت. زمام قدرت در دست کسانی قرار گرفت که به ظاهر با مردم عادی تفاوتی نداشتند و از هیچ برتری‌ای

عالم بشریت، جانانه از ساحت دین دفاع و از گوهر آن پاسداری کردند و اجازه ندادند خواب‌های دشمنان و معاندان دین اسلام تحقق یابد، آنانی که منتظر بودند با وفات آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم این دین نیز همچون ادیان دیگر به بیراهه و انحراف کشیده شود و با تحریف کتاب آسمانی (قرآن کریم) و سخنان و سیرت پیامبرش (احادیث و سیرت نبوی)، حقیقت آن مسخ گردد؛ سرنوشتی که رسالت‌های توحیدی پیامبران پیشین و خصوصاً انبیای بنی‌اسرائیل حضرت موسی و حضرت عیسی علیهما‌السلام با آن مواجه شد.

سخن امام شاه‌ولی‌الله محدث‌دهلوی که «خلافت خلفای راشدین اصلی‌ست از اصول دین تا وقتی که [مسلمانان] این اصل را محکم نگیرند هیچ مسئله‌ای از مسائل شریعت محکم نشود.» ناظر به همین وجه باطنی خلافت راشده است، چنان‌که در ادامه این مطلب می‌فرماید: «زیرا اکثر احکامی که در قرآن عظیم ذکر شده، مجمل است و بدون تفسیر سلف صالح به حل آن نتوان رسید ... و تطبیق احادیث متعارضه بدون سعی این بزرگواران صورت‌نگیرد، و همچنین جمیع فنون دینی مثل علم قرائت و تفسیر، عقاید و علم سلوک به غیر آثار این بزرگواران متأصل نشود و قدوة سلف در این امور به خلفای راشدین است و تمسک ایشان به اذیال خلفا. جمع قرآن و معرفت قرائت متواتره از شاذه مبتنی بر سعی خلفا است، و قضایا و حدود و احکام فقه و غیر آن همه مترتب بر تحقیق ایشان. هر که در شکستن این اصل سعی می‌کند به حقیقت هدم جمیع فنون دینی می‌خواهد.» [إزالة الخفاء عن خلافة الخلفاء: ۱/۱] علامه سید ابوالحسن علی حسنی ندوی نیز

اول و به تعبیر علامه اقبال لاهوری «ثانی اسلام و غار و بدر و قبر» پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وسلم، حضرت ابوبکر صدیق رضی‌الله‌عنه، قرار داشت. ابوبکر که با شنیدن خبر ارتداد برخی قبایل از اسلام و انکار فرضیت زکات توسط گروهی دیگر، پیامبرگونه بانگ برآورد: «أیتقص الدین و أنا حی (آیا ممکن است در پیکر دین نقصی پدیدار شود و من ابوبکر زنده باشم)»، و به مدد توفیقات الهی و جان‌فشانی دلیرمردان عرصه جهاد و شهادت مکتب نبوی که پس از وفات پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وسلم خود را یاران و سربازان مخلص خلیفه آن حضرت عنوان کردند، پیروزمندانه بر ارتدادها و توطئه‌ها فائق آمد و نه تنها اجازه نداد شیرازه دین و امت اسلامی از هم گسیخته شود، بلکه با برنامه‌هایی دقیق و حساب‌شده زمینه را برای اقدامات اساسی خلفای بعدی فراهم کرد.

دو وجه خلافت

خلافت نبوت یک باطن و مغز داشت و یک ظاهر و قشر؛ امام شاه‌ولی‌الله محدث‌دهلوی از این دو وجه به «خلافت باطنی» و «خلافت ظاهری» تعبیر می‌کند. دین و شریعت، باطن و مغز بود و حکومت و دولت، ظاهر و قشر، و خلافت راشده واجد و جامع هر دو وجه بود.

وجه باطنی و اصلی خلافت، پاسداری از حقیقت متعالی اسلام و گوهر دین و قیام به ابلاغ آن و کنار زدن موانع از سر راه انتشار آن بود که خلفای راشدین به بهترین نحو ممکن از عهده آن برآمدند. آنان در حساس‌ترین و سرنوشت‌سازترین برهه در تاریخ دین اسلام، یعنی پس از عروج ملکوتی و درگذشت خاتم پیامبران و آخرین منجی



نسبت به آنان برخوردار نبودند و بر خاک می‌نشستند، اما مجری شریعت و قانون، پاسدار حق و عدالت، و یاور مظلومان بودند و خواب را از چشم ظالمان و مستکبران جهان ربودند.

پیام‌های خلافت راشد

بنا بر آنچه گفته شد، خلافت راشد اساسی‌ترین و تأثیرگذارترین حلقه وصل بین نسل‌های بعدی امت اسلامی با نبی رحمت، خاتم پیامبران، حضرت محمد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وسلم است، و جز از طریق این حلقه وصل، هیچ پیوندی نمی‌توان بین خود و پیامبر اسلام و کتاب و سنت و حقیقت دین برقرار کرد و مدعی راه‌یابی بود.

هدف از طرح این بحث، یادآوری این نکته است که امت اسلامی در هر مقطع تاریخی و در هر شرایطی نیازمند تأمل دقیق و تدبیر عمیق در دوران خلافت راشد است. به‌باور نگارنده تجربه خلافت راشد تکرارپذیر نیست، اما همواره و در همه ابعادش چراغ راه و الهام‌بخش امت اسلامی، خصوصاً مصلحان، مجددان، مجاهدان، اندیشمندان، فقیهان، مجتهدین، محدثین، مفسرین و همچنین بسیاری از فعالان سیاسی، دولت‌مردان و حکمرانان مسلمان بوده و خواهد بود.

نکته دیگر این‌که، آنچه برای مسلمانان قرون بعد از دوران خلافت راشد تا به امروز و تا قیام قیامت اهمیت بنیادی داشته و دارد، این سؤال است: خلفای راشدین که میراث عظیم «دین اسلام» را از خاتم پیامبران صلی‌الله‌علیه‌وسلم تحویل گرفتند، آیا آن را در تلاطم طوفان‌های سهمگینی که پس از عروج ملکوتی آن‌حضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم وزیدن گرفت، تام‌وتمام حفاظت کرده و

سطح افکار عمومی، نه تنها روح و روان صاحبش را دچار تناقض و تضاد می‌کند، بلکه این ذهنیت را نیز در افکار عمومی مردم جهان ایجاد می‌کند که پیامبر اسلام حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وسلم در انجام رسالت الهی‌اش و تلاشش برای تربیت اولین هسته این امت، که بین ایشان و نسل‌های بعدی واسطه بودند، چندان موفق نبود؛ موضوعی که همواره دست‌آویز بدخواهان دین اسلام، خصوصاً مستشرقان و خاورشناسان معاند قرار گرفته است؛ درحالی‌که به تعبیر اندیشمند برجسته معاصر علامه محمدتقی عثمانی «قاطبه امت اسلامی همواره باور داشته‌اند که پس از انبیای کرام علیهم‌السلام، چشم آسمان و زمین به انسان‌هایی مقدس‌تر و وارسته‌تر از صحابه کرام رضوان‌الله‌علیهم‌أجمعین نیفتاده است. تک‌تک رهروان حقیقت‌جو و صادق این قافله مقدس، از چنان صفات و ویژگی‌هایی برخوردار بودند که تاریخ انسانی از ارائه نظیر آن عاجز است و اگر کسی از آنها دچار لغزشی شده است، مسلماً مورد عفو الله تعالی قرار گرفته و خداوند رضایتش را از همه آنان در قرآن اعلان کرده است.»^(۳) بنابراین مردم قرون بعدی در جایگاهی نیستند که در مورد عملکرد صحابه و یاران پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وسلم قضاوت کنند، یا این‌که بخواهند خود را با آنان و آنان را با خود و زمانه خود قیاس کنند؛ چه نسبت خاک را با عالم پاک.

بعثت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وسلم در مقطعی از تاریخ جهان ظهور یافت که امپراتوری‌های موروثی و سلطنتی در شرق و غرب عالم حکم‌فرما بود، توده‌ها همچون بردگان در خدمت طبقه حاکم بودند و مال و جان و ناموسشان بازیچه

به بهترین شکل ممکن به دست نسل‌های بعدی امت اسلامی رساندند؟ پاسخ این سؤال به گواهی تاریخ و دین‌شناسان منصف «آری» است. بنابراین، طرح این بحث که شکل خلافت پس از پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وسلم به نحو دیگری باید رقم می‌خورد، بحثی بی‌مورد و انحرافی‌ست و امروزه دیگر موضوعیت ندارد؛ زیرا هم ما را از پیام حقیقی دین و نقش جهانی و جاودانه آن دور می‌کند و موجب تنش و اختلاف در بین امت اسلامی می‌شود، و هم دور از خرد و انصاف است که ما اولین، بهترین و بزرگ‌ترین شاگردان مکتب نبوت و خاتم پیامبران صلی‌الله‌علیه‌وسلم را افرادی جاه‌طلب معرفی و گمان کنیم که آنان نیز همچون دولت‌مردان و فعالان سیاسی و حزبی عصر حاضر، صرفاً مترصد فرصت به دست گرفتن قدرت و حکومت با هر ترفندی بودند و حاضر بودند حقیقت دین پایمال شود و مستحقان و شایستگی‌گانی طرد و حذف شوند تا کسانی به‌ناحق از نردبان قدرت بالا روند و پس از آن این نردبان را درهم بشکنند تا کسان دیگری هوس بالا رفتن از آن را در ذهن خود نپرورانند؛ حاشا و کلا از چنین سوءظن و پندار ناشایستی. پروراندن چنین سوءظنی در ذهن و تبلیغ آن در

خلافت راشد اساسی‌ترین و

تأثیرگذارترین حلقه وصل بین

نسل‌های بعدی امت اسلامی با نبی

رحمت، خاتم پیامبران، حضرت

محمد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وسلم

است، و جز از طریق این حلقه وصل،

هیچ پیوندی نمی‌توان بین خود و

پیامبر اسلام و کتاب و سنت و حقیقت

دین برقرار کرد و مدعی راه‌یابی

بود.

سخن آخر این که، فیض یافتگان آبخشور حقیقت و انصاف، از جایگاه «خلافت راشد» در دین اسلام و تاریخ امت اسلامی آگاه و همواره خود را رهین منت آن دوران طلایی و آن نسل پرافتخار می دانند و بر روان آنان درود می فرستند و از خدای سبحان برای خود و آنان رضایت و رضوان می طلبند، و دعایشان این است: «ربنا اغفر لنا و لإخواننا الذین سبقونا بالإیمان و لاتجعل فی قلوبنا غلا للذین آمنوا ربنا إنک رؤوف رحیم» [حشر: ۱۰]؛ پروردگارا! ما را و آن برادرانمان را که در ایمان آوردن از ما پیشی گرفتند، بیامرز! و در دل های ما هیچ کینه ای در حق کسانی که ایمان آورده اند، قرار مده. پروردگارا تویی که بخشنده مهربانی. ■

منطق دین اسلام حکم می کند که سیاست و قدرت در خدمت دین و دیانت و در خدمت خلق خدا (جمهور مردم) باشد، نه این که دین در خدمت قدرت و دنباله رو سیاست باشد؛ به تعبیر دیگر، باید سیاست، دینی و اخلاقی و بر پایه عدالت و حفظ کرامت انسانی باشد، نه این که دین سیاسی شود و بازیچه و نردبان قدرت طلبان قرار گیرد.

اسلام، سرزمین ها و ملت های جدیدی را با دعوت اسلام آشنا کردند و قرن ها در مقابل تهاجم های غربی و شرقی ایستادگی کرده و مرکزیت سیاسی جهان اسلام را حفظ کردند.

منطق دین اسلام حکم می کند که سیاست و قدرت در خدمت دین و دیانت و در خدمت خلق خدا (جمهور مردم) باشد، نه این که دین در خدمت قدرت و دنباله رو سیاست باشد؛ به تعبیر دیگر، باید سیاست، دینی و اخلاقی و بر پایه عدالت و حفظ کرامت انسانی باشد، نه این که دین سیاسی شود و بازیچه و نردبان قدرت طلبان قرار گیرد. خلافت راشد از منظر سیاسی بر چنین منطقی استوار بود و پیام آن در بعد سیاسی نه تنها برای مسلمانان بلکه برای تمام مردم جهان این است که مردم حق دارند در امر دنیای خود، سرنوشتشان را خودشان رقم بزنند و تسلیم استبداد و استعمار نشوند، همچنین منتظر یک حاکم و متولی امر منتصب و آسمانی نباشند؛ زیرا با ختم نبوت و پیامبری، دیگر هیچ کسی مأموریتی انتصابی و آسمانی نمی یابد و حجت اهل آسمان بر اهل زمین تمام شده است و راه سعادت و شقاوت در امر دین و دنیا برای همگان واضح و روشن شده است.

آنان بود. حال، گذشته از اقتضائات دینی، از حیث عقلانی و منطقی هم شایسته نبود که بلافاصله پس از پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم نظامی موروثی شکل بگیرد و در یک خاندان امتداد یابد، چنان که تقدیر الهی نیز اجازه نداد در دوران خلافت راشد چنین اتفاقی بیفتد؛ به تعبیر علامه سید ابوالحسن ندوی این نیز یکی از مصادیق آیه «ذالک تقدیر العزیز العلیم» [یس: ۳۸] بود.

اما آنچه پس از سی سال و با پایان دوران طلایی خلافت راشد رخ داد و خلافت به ملوکیت و پادشاهی، که شکل رایج و پذیرفته شده مدل حکومت در دنیای آن روز بود، تغییر یافت، حسابش از خلافت راشد جداست، و آن خود آغاز فصل متفاوتی در حیات سیاسی مسلمانان بود؛ به تعبیر دیگر می توان گفت که با این اتفاق، خلافت باطنی (نهاد دین) از خلافت ظاهری (نهاد دولت) استقلال یافت تا دین و دیانت پس از تمکین و تثبیت، از آسیب های دنیای پر التهاب و پرفراز و فرود سیاست و قدرت طلبی در امان بماند؛ چنان که از آن پس این طبقات مختلف علمای امت بودند که مسئولیت حفاظت از کیان و گوهر دین و قیام به تبلیغ و انتشار آن را برعهده گرفتند و در این راه با پایمردی نامالایمات و سختی ها را تحمل کردند، و در کنار آن، هیچ گاه از عدالت خواهی و ظلم ستیزی و ارشاد دولت مردان و حاکمان دست برنداشتند و در این راه از شلاق خوردن، تبعید شدن، زندان رفتن و حتی کشته شدن هراس نداشتند. بر اثر همین مجاهدت ها و روشنگری های علمای و مجددین امت، کم نبودند حکمرانان و دولت هایی که خدمات شایانی به دین و فرهنگ و تمدن اسلامی کردند و با گسترش قلمرو جهان

منابع:

۱. ابی داود، سلیمان بن أشعث؛ سنن ابی داود؛ الطبعة الأولى، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲هـ/ ۲۰۰۱م.
۲. ترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی؛ سنن الترمذی؛ بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۲۳هـ/ ۲۰۰۲م.
۳. محدث دهلوی، شاه ولی الله؛ إزالة الخفاء عن خلافة الخلفاء؛ پیشاور: مکتبه فاروقیه، [بی تا].
۴. ندوی، سید ابوالحسن علی؛ المرئضی؛ چاپ اول، زاهدان: فاروق اعظم، ۱۳۸۵.

پی نوشت ها:

۱. در این جا معنای عام و تفصیلی اصول دین مراد است نه معنای خاص و اجمالی آن که عبارت اند از «توحید»، «نبوت» و «معاد». در معنای عام و تفصیلی اصول دین، خلافت راشد در ذیل اصل نبوت قرار می گیرد چنان که علامه سید ابوالحسن ندوی می نویسد: «نبوت، خلافت الهی است و خلافت راشد، خلافت نبوی».
۲. آقاجری، هاشم؛ «سازگاری دین و دموکراسی»، روزنامه اعتماد؛ سال ششم، شماره ۱۵۹۳ (پنجشنبه ۲۷ دی ماه ۱۳۸۶)، ص ۵.
۳. عثمانی، محمد تقی؛ حضرت معاویه اور حقایق تاریخی؛ کراچی: اداره المعارف، ۱۴۱۱هـ / ۱۹۹۰م.